

روند دلارزدایی در آمریکای لاتین



معاونت بررسی های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران





معاونت بررسی های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

تهیه و تنظیم:

توحید ورستان

معاونت بررسی های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

موضوع این گزارش، الزاماً موضوع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

آذر ۱۴۰۲

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.



فهرست مطالب

۱	خلاصه مدیریتی
۲	مقدمه
۲	دلایل دلارزدایی در جهان و آمریکای لاتین
۴	نمونه‌ای از ابتکارات فعلی دلارزدایی در آمریکای لاتین
۴	آرژانتین
۵	برزیل
۷	بولیوی
۸	نقش یوان چین در فرآیند دلارزدایی
۹	چالش‌های یوانی‌سازی آمریکای لاتین
۱۲	نتیجه‌گیری
۱۴	منابع

خلاصه مدیریتی

دلار آمریکا به عنوان ارز ذخیره جهان، مزایای اقتصادی و سیاسی مهمی را برای آمریکا به همراه دارد. با این حال، این موقعیت، موجب نارضایتی برخی از کشورها شده است که به دنبال کاهش وابستگی خود به دلار هستند. این روند که با عنوان «دلارزدایی» شناخته می شود، در سال های اخیر با سرعت بیشتری در حال گسترش است.

دلایل مختلفی برای دلارزدایی وجود دارد که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی کشورهای غیرهمسو با ایالات متحده

- نوسانات نرخ ارز

- هزینه های بالای نگهداری ذخایر ارزی

دلارزدایی همچنین پیامدهای مختلفی برای اقتصاد جهانی و کشورهای درگیر در آن دارد که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاهش قدرت اقتصادی آمریکا

- افزایش تنوع ارزهای جهانی

- تقویت همکاری های اقتصادی منطقه ای

کشورهای آمریکای لاتین، اکنون به دنبال رهایی از وابستگی خود به ارز آمریکایی هستند. در سال های اخیر، نوسانات نرخ دلار به همراه کاهش ذخایر دلاری، کشورهای بزرگ و تاثیرگذار این منطقه مانند برزیل، آرژانتین و بولیوی را بر آن داشت که به سمت سیاست دلارزدایی حرکت کنند.

این کشورها برای کاهش وابستگی خود به دلار، راهکارهای مختلفی را در پیش گرفته اند که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استفاده از ارزهای ملی در تجارت دوجانبه

- جایگزینی ارزهای دیگر به جای دلار

- توسعه سوآپ ارزی

- افزایش تهاتر کالایی

با توجه به این که روند دلارزدایی در سال های اخیر با سرعت بیشتری در حال گسترش است؛ این روند می تواند پیامدهای مختلفی برای اقتصاد جهانی و کشورهای درگیر در آن داشته باشد. از سوی دیگر، دلارزدایی فرصت هایی را نیز برای کشورهایی که به دنبال کاهش وابستگی خود به دلار هستند، ایجاد می کند. در همین راستا در این گزارش به بررسی دلارزدایی کشورهای آمریکای لاتین و استفاده از یوان چین به جای آن، به ویژه در کشورهای آرژانتین، برزیل و بولیوی پرداخته شده است.

مقدمه

در دهه ۱۹۶۰، والرئ دستن، سیاستمدار فرانسوی، با ابراز شکایت از نقش دلار اعلام کرد که ایالات متحده به دلیل موقعیت دلار به عنوان ارز ذخیره جهان، از امتیازات بیشتری برخوردار است. این امر را می توان در استفاده ایالات متحده از آن به عنوان اهرم فشار در مقابل کشورهای مخالف مانند ایران، روسیه، چین، ونزوئلا، ... مشاهده کرد. با این وجود، در حال حاضر دلار مهم ترین واحد حسابداری تجارت بین المللی، اصلی ترین وسیله مبادله برای تسویه معاملات بین المللی و ذخیره ارزش برای بانک های مرکزی است. در نتیجه، وال استریت سالانه درآمد قابل توجهی از فروش خدمات بانکی به دلار به سایر نقاط جهان به دست می آورد و همچنین، ایالات متحده مهم ترین سیستم های تسویه حساب جهان را مدیریت می کند.

با این حال، اخیراً، سیاست «دلارزدایی»^۱ توسط کشورهای غیرهمسو با ایالات متحده از جمله روسیه، چین، عربستان سعودی و ایران دنبال می شود. دلارزدایی به روندی گفته می شود که کشورها اتکا به دلار آمریکا را به عنوان ارز ذخیره، واسطه تبادل یا به عنوان واحد محاسبه کاهش می دهند. برای نمونه، چین و روسیه استفاده از دلار را در تجارت دوجانبه به شدت کاهش داده اند. در سال ۲۰۱۵ حدود ۹۰ درصد از معاملات دوجانبه از طریق دلار انجام می شد، اما پس از شروع جنگ تجاری بین ایالات متحده و چین، این رقم تا سال ۲۰۱۹ به ۵۱ درصد کاهش یافت. همچنین، در سال ۲۰۰۱ تقریباً ۷۳ درصد از ذخایر جهانی ارز به دلار بود که این رقم به ۵۵ درصد در سال ۲۰۲۱ و ۴۷ درصد در سال ۲۰۲۲ کاهش یافته است.

همچنین، دلاری شدن اقتصاد مالی فرآیندی است که در آن بخش زیادی از دارایی ها و بدهی های ساکنان یک کشور به دلار آمریکا باشد. یکی از ویژگی های متمایز بخش بانکی بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین بوده که آن را به یکی از دلاری ترین مناطق جهان تبدیل کرده است. دلاری شدن مالی نتیجه دوره های گذشته بحران شدید اقتصادی و تورم بالا است که دلار آمریکا را به ارز ترجیحی برای کاهش ریسک پس اندازکنندگان و همچنین وام دهندگان تبدیل کرد. اما، دلاریزه شدن اقتصاد همچنان منشاء نگرانی بسیاری از سیاست گذاران منطقه است زیرا به آسیب پذیری سیستم بانکی در برابر نوسانات نرخ ارز کمک می کند. از همین روی و در طول دهه گذشته، برخی از کشورهای آمریکای لاتین مانند بولیوی، پاراگوئه، پرو و اروگوئه کاهش تدریجی وابستگی به دلار را آغاز کرده اند.

دلایل دلارزدایی در جهان و آمریکای لاتین

پس از بحران مالی جهانی ۲۰۱۰-۲۰۰۸، روند دلارزدایی در اقتصاد جهانی آغاز شد. کشورهای بیشتری در سراسر جهان، به ویژه در آسیا و آمریکای لاتین، در تلاش هستند تا استفاده از پول آمریکا را در تجارت خارجی خود کاهش و در مقابل کاربرد ارزهای ملی را افزایش دهند. این کار به آنها کمک می کند تا از سیستم های مالی خود در برابر خطرات ناشی از نوسانات نرخ دلار محافظت و ارزهای خود را تقویت کنند. رویگردانی از دلار به نفع ارزهای ملی، مزایای قابل توجهی را برای کشورها

¹ Dedollarisation

فراهم می کند. دلارزدایی با کاهش تعداد مراحل تراکنش و کمک به صرفه جویی در زمان و هزینه، عملیات مالی را تسهیل می کند.

همچنین، دلارزدایی دارای اهمیت سیاسی نیز است؛ نخست اینکه استفاده از ارزهای ملی مستلزم افزایش سطح روابط سیاسی کشورها و چشم انداز مثبت برای آینده است. دوم، موجب کاهش نفوذ ایالات متحده در اقتصاد کشورهای مخالف می شود. از همین روی، رقبای اقتصادی و سیاسی آمریکا مانند چین، روسیه، ایران در رأس فرآیند دلارزدایی جهان قرار دارند. این کشورها به تدریج شرکای سیاسی خود را به سمت دلارزدایی سوق و به آنها پیشنهاد می دهند که برای تسویه حساب های متقابل از ارزهای ملی استفاده کنند. برای نمونه، روی آوردن به ارزهای ملی در روابط اقتصادی روسیه با چین و هند می تواند صحنه مالی جهان را تغییر دهد. در واقع، تصمیم سه کشور قدرتمند و ثروتمند - چین، هند، روسیه - برای دلارزدایی می تواند به کاهش قابل توجه نرخ دلار و به مرور زمان به پایان هژمونی آن در اقتصاد جهانی منجر شود.

بر اساس داده های تارنمای سی ان بی سی (CNBC) ایالات متحده در حال جنگ اقتصادی علیه یک دهم کشورهای جهان با جمعیت تجمعی نزدیک به ۲ میلیارد نفر و مجموع تولید ناخالص داخلی بیش از ۱۵ تریلیون دلار است. دونالد ترامپ با اتخاذ رویکرد «اول آمریکا»، ایالات متحده را درگیر جنگ های تجاری و بازگرداندن شیوه های حمایت گرایانه به سیاست خارجی کرده بود. هرچه دولت ترامپ بیشتر تلاش کرد تا شرایط مطلوبی را برای آمریکا ایجاد کند اما در مقابل کشورهای بیشتری از واشنگتن دور شدند. همواره ایالات متحده از تسلط دلار به عنوان ابزاری برای نفوذ در سایر کشورها استفاده می کند. از همین روی، بیشتر کشورها از این چماق بالای سر خود به نوعی خسته شده اند. بنابراین، سرعت روند برگشت ناپذیر دلارزدایی با سیاست هایی که دولت ترامپ دنبال کرد، ارتباط تنگاتنگی دارد. اگر دولت بایدن نیز به این رویکرد ادامه دهد، روند دلارزدایی نیز سرعت خواهد گرفت.

در این میان و در یک دهه گذشته، گروهی از کشورهای آمریکای لاتین (بولیوی، پاراگوئه، آرژانتین، پرو و اروگوئه) کاهش تدریجی و در عین حال پایدار دلاری شدن مالی را تجربه کردند. براساس مطالعات انجام شده، افزایش نرخ ارز یک عامل کلیدی در توضیح دلارزدایی بوده است. اما اقداماتی مانند توسعه بازار سرمایه به ارزهای ملی و دلارزدایی از سپرده ها به کاهش دلاری شدن اقتصاد کمک کرده اند. حفظ ثبات اقتصاد کلان و پایه های قوی، به تعمیق دلارزدایی کمک خواهد کرد. در تجارت خارجی نیز، اقتصادهای بزرگ منطقه مانند برزیل و آرژانتین مسیر دلارزدایی را به سرعت طی می کنند. افزایش ارزش دلار در سال های اخیر، شوک های بسیاری را در سراسر جهان وارد کرده و پیامدهای گسترده ای را برای اقتصادهای جهان به همراه داشته است. یکی از مهم ترین تأثیرات آن، افزایش فشار بر کشورهای دارای بدهی دلاری مانند آرژانتین بوده است، زیرا بازپرداخت آن را پرهزینه می کند. همچنین، نوسانات ارزش دلار، معادلات مالی در سراسر جهان را با چالش مواجه کرد. این مسیر، باعث اتخاذ جانب احتیاط در اقتصادهای کوچکتر شده و آنها را به پناه بردن به ارزهای جایگزین و تقویت اتحادهای تجاری منطقه ای سوق داده است. علاوه بر این، افزایش شدید نرخ دلار هزینه سنگینی را بر کشورهای متکی به کالاهای ضروری وارداتی مانند سوخت و غذا تحمیل کرده است.

نمونه‌ای از ابتکارات فعلی دلارزدایی در آمریکای لاتین

با تشدید رقابت ژئوپلیتیکی بین ایالات متحده و چین، پکن به دنبال گسترش استفاده از یوان در آمریکای لاتین به عنوان حیات خلوت واشنگتن است. برای نمونه، توافق چین و برزیل در این زمینه نه تنها روابط تجاری بین دو کشور را بهبود می‌بخشد، بلکه به استراتژی کلی چین در رقابت با آمریکا کمک می‌کند. در واقع، قراردادهای ارزی چین و کشورهای آمریکای لاتین نمونه‌ای از شکاف بیشتر بین جهان غرب و جنوب جهانی است. در این راستا، گروه بریکس شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی در یک‌دهه گذشته اقدامات متعددی را در راستای کاهش اتکا به کشورهای و نهادهای غربی، مانند تاسیس بانک توسعه جدید، عملیاتی کردند. همچنین استفاده ابزاری از دلار توسط ایالات متحده، منجر به همکاری نزدیکتر بین بسیاری از کشورهای غیرغربی شده است. در همین راستا، می‌توان به کاربست جایگزین‌های چینی و روسی سیستم ارتباطات بانکی سوئیفت مستقر در بلژیک اشاره کرد.

آرژانتین

در این میان، روند دلارزدایی و استفاده از پول چین، یوان، در کشورهای آمریکای جنوبی به ویژه در سه کشور برزیل، آرژانتین و بولیوی تقویت شده است. برای نمونه، به دنبال کاهش شدید ذخایر دلاری آرژانتین، بانک مرکزی این کشور در ۲۹ ژوئن ۲۰۲۳ اعلام کرد که بانک‌های تجاری کشور مجاز به افتتاح حساب‌های سپرده و انتشار اوراق بهادار به یوان چین هستند. در گذشته، آرژانتین مجوز افتتاح حساب‌های بانکی برای استفاده از سپرده‌های دلاری را داده بود اما اکنون به دنبال کمبود شدید دلار، در پی گسترش استفاده از یوان است. با وجود کاهش شدید ارزش پزو در برابر دلار و تورم ۱۰۰ درصدی، واشنگتن به عنوان سومین بازار صادراتی این کشور از مداخله خودداری کرد، زیرا کاهش ارزش پزو واردات آن از آرژانتین را ارزان تر می‌کند. در مقابل، چین در کمک به آرژانتین برای عبور از بحران اقتصادی و ارزی، سیاست فعالی اتخاذ کرد. بر اساس گزارش بانک خلق چین در اوایل ژوئن، بانک‌های مرکزی چین و آرژانتین قرارداد سوآپ ارزی دوجانبه خود به ارزش ۱۳۰ میلیارد یوان (۴.۵ تریلیون پزو یا ۱۸.۲ میلیارد دلار آمریکا) را برای سه سال دیگر تمدید کردند. در آوریل ۲۰۲۳، بوئنوس آیرس تایمز اعلام کرد، این کشور پرداخت یوان برای واردات از چین را آغاز کرده است. در همین راستا و در ژوئن ۲۰۲۳، آرژانتین تقریباً ۲.۷ میلیارد دلار به صندوق بین‌المللی پول با استفاده از یوان، برای نخستین بار در تاریخ، پرداخت کرد. یک میلیارد دلار این مبلغ برای بازپرداخت تسهیلات و ۱.۷ میلیارد دلار دیگر به سبد «حق برداشت ویژه» واریز شد.

تصمیم آرژانتین برای جایگزینی یوان با دلار، از این واقعیت ناشی می‌شود که ذخایر دلاری بانک مرکزی این کشور در پایین‌ترین سطح خود از سال ۲۰۱۶ قرار دارد، که بخشی از آن به دلیل کاهش صادرات محصولات کشاورزی در پی گسترش خشکسالی اخیر بوده است. همچنین، پزو آرژانتین در سال ۲۰۲۳ تقریباً ۳۰ درصد از ارزش خود در برابر دلار را از دست داده و بنابراین تهیه دلار برای این کشور گران تر شده است. این روند باعث شد که مبادلات یوان در بازار ارز آرژانتین در ۱۰ روز اول ژوئن به حدود ۲۸۵ میلیون دلار برسد که دو برابر میزان ماه می است. زیرا بیش از ۵۰۰ شرکت به دنبال پرداخت هزینه واردات به ارز چین بودند.

اگرچه آرژانتین، در مواجهه با بدهی های هنگفت دلاری، به استفاده از یوان به عنوان وسیله ای برای بازپرداخت غیرمستقیم تعهدات خود متوسل شده، اما انتخاب این ارز تصمیم راهبردی بوده و در راستای تعمیق روابط اقتصادی و تجاری با چین است. از نظر تجارت دوجانبه، چین دومین شریک تجاری بزرگ آرژانتین، پس از برزیل و دومین مقصد بزرگ صادرات کالاهای آرژانتینی است. بر اساس داده های وزارت اقتصاد آرژانتین، در ماه های آوریل و می سال جاری، آرژانتین واردات از چین به ارزش ۲.۷۲۱ میلیارد دلار را با استفاده از یوان تسویه کرد. ارزش واردات تسویه شده به یوان، ۱۹ درصد از کل واردات آرژانتین در این دو ماه را به خود اختصاص داده است. استفاده از یوان سرعت واردات آتی کالاهای چینی آرژانتین را طی ماه های آینده تسریع می کند. دور زدن تسویه مستقیم به دلار در تجارت دوجانبه نیز برای کسب و کارها سودمند است، زیرا ریسک های معطوف به نوسانات نرخ ارز را کاهش می دهد.

بر اساس آمارهای بین المللی، ارزش صادرات چین به آرژانتین در سال ۲۰۲۱ حدود ۱۲.۶ میلیارد دلار بوده که مهمترین اقلام شامل رایانه، ماشین آلات و لوازم الکتریکی است. همچنین، ارزش صادرات آرژانتین به چین در همان سال حدود ۶ میلیارد دلار بوده که مهمترین آنها سویا و گوشت است. تجارت بین دو کشور در ۲۵ سال گذشته حدود ۱۲ درصد رشد داشته و آرژانتین به یک شریک تجاری مهم برای چین تبدیل شده است، به خصوص که ساختار صادرات آن تقریباً مشابه ساختار واردات چین از ایالات متحده است. از این رو، این کشور از جمله رقبای واقعی برای صادرات گوشت و غلات ایالات متحده به چین محسوب می شود.

برزیل

یکی دیگر از کشورهای آمریکای جنوبی که استفاده از یوان را در دستور کار قرار داده، برزیل است. برزیل یکی از غول های معدنی و کشاورزی جهان است. این کشور تولیدکننده مهم بسیاری از مواد معدنی از جمله سنگ آهن، قلع، بوکسیت، منگنز، طلا، کوارتز، الماس و سایر جواهرات بوده و مقادیر زیادی فولاد، خودرو، لوازم الکترونیکی و ... صادر می کند. برزیل همچنین منبع اصلی قهوه و تولیدکننده عمده شکر، سویا و گوشت گاو در جهان است. با این حال، اهمیت نسبی کشاورزی برزیل از اواسط قرن بیستم و با گسترش شهرنشینی و بهره برداری از معادن، رو به کاهش بوده است. شایان ذکر است، پتانسیل معدنی، صنعتی و برق آبی؛ این کشور را به یکی از مراکز صنعتی و تجاری بزرگ جهان تبدیل کرده است.

استفاده از یوان در معاملات تجاری برزیل و چین در دو مرحله گسترش یافته است. نخست، بانک مرکزی چین از امضای یادداشت تفاهم با بانک مرکزی برزیل برای ایجاد ترتیبات تسویه یوان خبر داد. این قرارداد به شرکت ها و موسسات مالی دو کشور کمک می کند تا مبادلات فرامرزی خود را با استفاده از پول چین انجام داده و تجارت و سرمایه گذاری دوجانبه را تسهیل کنند. براساس اعلام بانک مرکزی برزیل، با «اجرای نهایی» این توافق و امکان ورود شرکت های جدید تحت همین چارچوب، مزایای بسیاری مانند افزایش حفظ ذخایر ارزی کشور، کاهش واسطه ها در پرداخت های بین المللی، ارتباط سیستم های پرداخت برزیل و چین، افزایش کارایی عملیاتی از نظر کاهش هزینه و زمان را به ارمغان می آورد.

گام دوم در ماه مارس ۲۰۲۳ و جریان سفر رئیس جمهور لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا به پکن برداشته شد و بانک Bocom به عنوان اولین موسسه آمریکای لاتین به سیستم پرداخت بین بانکی فرامرزی (CIPS)^۲ چین پیوست. این سیستم در سال ۲۰۱۵ و پس از تحریم های بین المللی روسیه به دلیل الحاق کریمه فعال شد و هرچند در مقایسه با SWIFT هنوز نسبتاً کوچک بوده، اما دامنه آن در حال افزایش است. در تجارت برزیل و چین، معمولاً از دلار به عنوان ابزار واسطه برای تبدیل بین دو ارز ملی استفاده می شود که در نتیجه استفاده از ارز سوم، هزینه مبادلات را افزایش می دهد.

بر اساس گزارش بانک مرکزی برزیل، در دسامبر سال ۲۰۲۲، یوان با سهم ۵.۳۷ درصدی در سبد ذخایر خارجی این کشور، جایگزین یورو با سهم ۴.۷۴ درصدی شد. هنوز دلار با ۸۰.۴۲ درصدی بیشترین وزن را در ذخایر بین المللی برزیل به خود اختصاص می دهد. براساس همین داده ها، سهم یوان در سال ۲۰۲۱ با جهش ۴ برابری، ۱.۲۱ درصد در سال ۲۰۲۰، به ۴.۹۹ درصد افزایش یافت.

قرارداد بین چین و برزیل به دنبال یک سری معاملات دیگر در راستای افزایش دسترسی به یوان چین صورت گرفت. سال گذشته، چین با لائوس، قزاقستان و پاکستان قراردادهایی در راستای تجارت با یوان را منعقد کرد. علاوه بر این، براساس قرارداد بین شرکت روسی گازپروم و شرکت ملی نفت چین، تجارت دوجانبه صرفاً از طریق روبل و یوان انجام خواهد شد. با این حال، توافق چین و برزیل بزرگترین معامله در نوع خود است. چین با حجم تجارت تقریباً ۱۵۰ میلیارد دلاری، بزرگترین شریک تجاری برزیل در یک دهه اخیر بوده است. همچنین، قرارداد تسویه حساب یوانی امکان افزایش تجارت و سرمایه گذاری را به شرکت ها و موسسات مالی دو کشور می دهد. در واقع، توافق بین دومین و دوازدهمین اقتصاد بزرگ جهان فراتر از منافع اقتصادی، گامی مهم در رقابت چین با ایالات متحده است. معامله چین و برزیل بخشی از راهبرد بزرگتر چین در راستای کاهش نفوذ و وابستگی به دلار آمریکا است. چون ترتیبات ارزی جدید، تجارت دوجانبه بین چین و شرکای آن را از دلار آمریکا دور کرده و در نتیجه نفوذ یوان را افزایش می دهد.

ترتیبات تسویه چین و برزیل نمونه ای از استراتژی چین برای پیشبرد موقعیت خود در چشم انداز ژئوپلیتیکی است. از یک سو، با چنین ترتیباتی موقعیت پول خود را افزایش می دهد و از سوی دیگر از اهمیت دلار می کاهد. نخستین تاثیر ترتیبات تسویه چین، کاهش وابستگی آن است. اینکه بیشتر تجارت جهان در حال حاضر با دلار انجام می شود، نفوذ قابل توجهی به ایالات متحده داده است. افزایش حجم تجارت یوان به جای دلار، یعنی وابستگی پکن به ذخایر دلاری کاهش یافته و در نتیجه نفوذ آمریکا را تحت تاثیر قرار می دهد.

در مجموع، توافق اخیر برزیل و چین برای دور زدن دلار آمریکا در تجارت و سرمایه گذاری دوجانبه بیشتر از تسهیل تجارت از طریق کاهش هزینه ها است. برزیل و چین انگیزه های ژئوپلیتیکی اساسی دارند. آنها در برابر تصور تهدید ناشی از سوء استفاده از تحریم های تهاجمی ایالات متحده تعادل برقرار می کنند. اگرچه بعید است که یوان در کوتاه مدت جایگزین دلار

² Cross-Border Interbank Payment System

آمریکا شود، اما به دلیل انگیزه های فزاینده چین، نوآوری های مربوط به یوان دیجیتال و رویکرد مناسب علیه رفتار ایالات متحده، احتمالاً این اتفاق زودتر از تصورات قبلی، روی دهد.

بولیوی

اگرچه بولیوی از نظر منابع معدنی غنی بوده، دارای دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی در آمریکای جنوبی، اما یکی از فقیرترین کشورهای منطقه است. بولیوی همچنین فاقد تنوع اقتصادی است و رشد اقتصادی این کشور عمدتاً از طریق صادرات گاز طبیعی ناشی می شود. در سال ۲۰۲۲، این کشور نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ۳.۲ درصدی را به ثبت رساند، که عمدتاً ناشی از مصرف خصوصی و عمومی و همچنین بهبود بازار کار، قیمت بالاتر کالاها و افزایش جریان گردشگری است. انتظار می رود که اقتصاد این کشور در سال های آینده به رشد خود ادامه دهد. صندوق بین المللی پول رشد تولید ناخالص داخلی ۱.۸ و ۱.۹ درصدی را به ترتیب برای سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ پیش بینی کرده است.

این کشور محصور در خشکی آمریکای جنوبی همچنین صادرکننده محصولات کشاورزی از جمله سویا بوده و اخیراً شاهد افزایش فروش طلا به خارج از کشور است. در زمان اوو مورالس، رییس جمهور سابق، درآمدهای این کشور به شدت افزایش یافت و او از این جریان عظیم پول برای کاهش فقر، گسترش طبقه متوسط و ساخت جاده استفاده کرد. بطوریکه درآمدهای کشور با ملی شدن منابع هیدروکربنی در سال ۲۰۰۶ سه برابر شد، اما این بخش به دلیل کمبود سرمایه گذاری دچار رکود و از یک صادرکننده به یک واردکننده هیدروکربن در سال ۲۰۲۲ تبدیل شد. این روند باعث کاهش ذخایر دلاری بولیوی در سال های اخیر شده تا سیاستمداران این کشور به دنبال راهکار از طریق جایگزینی یوان با دلار در مبادلات خارجی باشند. براساس اعلام بانک مرکزی این کشور (BCB)^۳ تنها ۳.۵ میلیارد دلار از ذخایر ارزی این کشور باقی مانده است، که این روند باعث صف کشیدن مردم مقابل بانکها و توقف انتشار اطلاعات مربوط به ذخایر دلاری از ماه فوریه ۲۰۲۳ شد.

زمانی که مارچلو مونته نگرو در سال ۲۰۲۰ به وزارت اقتصاد بولیوی منصوب شد مدل اقتصادی دوره ریاست جمهوری اوو مورالس (۲۰۱۹-۲۰۰۶) را احیاء و منابع طبیعی مانند نفت، گاز و لیتیوم را ملی کرد. به نظر می رسد که این رویکرد در طول همه گیری کرونا موجب رشد اقتصادی ۶.۱ درصد بولیوی در سال ۲۰۲۱ و ۳.۲ درصد در سال ۲۰۲۲ شد. اما موسسات رتبه بندی اعتباری اخیراً رتبه بولیوی را کاهش داده اند. این کشور که دوره ای غول صادرات گاز بود، در سال ۲۰۲۲ به دلیل عدم سرمایه گذاری و افزایش تقاضای داخلی به واردکننده خالص سوخت های فسیلی تبدیل شد.

از ۱ اکتبر ۲۰۱۷، پول چین به سبب حقوق برداشت ویژه صندوق بین المللی پول افزوده شد. این امر یوان را به سطح جدیدی از اعتبار بین المللی رسانده است، از همین روی دریافت آن از گردشگران چینی توسط مغازه داران بازارهای پایتخت بولیوی، لاپاز، موضوع غیرعادی نیست. اسکناس های ۱۰۰ یوان در حال حاضر اغلب در مبادلات تجاری در آرژانتین، برزیل، بولیوی، شیلی و سورینام و کشورهای دارای توافقنامه مبادله ارزی با چین، استفاده می شود. این همکاری باعث شد تا کارت های بانکی

³ Banco Central de Bolivia

«یونیون پی» چین در ۱۲ کشور آمریکای لاتین از جمله مکزیک، برزیل، آرژانتین و پرو در کنار «مسترکارت» و «امریکن اکسپرس» کاربرد داشته باشد.

بولیوی اکنون از یوان برای پرداخت هزینه واردات و صادرات استفاده می کند. در واقع، به آخرین کشور آمریکای جنوبی تبدیل شد که به طور منظم از پول چین در روند دلارزدایی از تجارت بهره می گیرد. به گفته وزیر اقتصاد این کشور؛ بین ماه های می و ژوئیه ۲۰۲۳، تقریباً ۱۰ درصد مبادلات خارجی این کشور معادل ۳۸.۷ میلیون دلار به یوان بوده است. به گفته وزیر اقتصاد بولیوی، مقدار مورد استفاده از یوان نسبتاً اندک است، اما به تدریج افزایش خواهد یافت. در حال حاضر، بیشتر صادرکنندگان موز، روی و چوب و همچنین واردکنندگان وسایل نقلیه و کالاهای سرمایه ای مبادلات خود را با یوان انجام می دهند. این تراکنش های الکترونیکی از طریق بانک دولتی اتحادیه انجام می شود.

در آمریکای لاتین و دریای کارائیب، استفاده از یوان به ویژه در کشورهایی که به دنبال ایجاد روابط قوی تر با چین هستند، از لحاظ سیاسی در راستای هدف کاهش وابستگی خود به دلار است. دولت بولیوی نیز به دلیل کاهش ذخایر یورویی و دلاری، از ماه فوریه ۲۰۲۳ استفاده از یوان را آغاز کرد. البته برخی از تحلیلگران و اعضای اپوزیسیون این اقدام را زیر سوال برده اند. خوزه گابریل اسپینوزا، استاد اقتصاد در دانشگاه کاتولیک بولیوی، در اینباره گفت: «این سیاست، راه حل بلندمدتی نیست و بیشتر شبیه تلاشی برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات اقتصادی است.»

البته بولیوی به غیر از یوان، به دنبال استفاده از ارزهای ملی در تجارت با سایر کشورهاست. برای نمونه سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در سفر به آمریکای لاتین با همتای بولیوی خود روگلیو مایتا در کاراکاس پایتخت ونزوئلا، سیستم مبادلات تجاری جدیدی را برای حذف دلار و یورو و انجام معاملات تجاری بین المللی با استفاده از «روبل» روسیه و «بولیویانو» بولیوی معرفی کردند. تجارت دوجانبه کنونی حدود ۱۲۰ میلیون دلار در سال بوده که روسیه بخش عمده آن را صادر می کند. با این حال، مسکو به دنبال شرکای جدید در بخش کشاورزی است، از همین روی صادرکنندگان بولیوی اکنون فرصت دارند تا سهم خود را افزایش دهند.

نقش یوان چین در فرآیند دلارزدایی

همانطور که در نمونه برزیل و آرژانتین مشاهده شد، یوان چین نقش محوری و اصلی به عنوان جایگزین دلار در آمریکای لاتین را دارد. با آغاز قرن اخیر، نقش چین در آمریکای لاتین پررنگ تر شده و فرصت های اقتصادی فراوانی برای منطقه را نوید داده و در عین حال نگرانی هایی را در مورد نفوذ پکن برای واشنگتن ایجاد می کند. شرکت های دولتی چین سرمایه گذاران اصلی در صنایع انرژی، زیرساخت ها و فضایی منطقه هستند و در سال های اخیر به عنوان بزرگترین شریک تجاری آمریکای جنوبی از ایالات متحده پیشی گرفته است. پکن همچنین حضور دیپلماتیک، فرهنگی و نظامی خود را در سراسر منطقه گسترش داده و اخیراً، در بحبوحه همه گیری کووید-۱۹ از نفوذ خود استفاده و تجهیزات پزشکی، وام ها و صدها میلیون دوز واکسن را در اختیار منطقه قرار داد.

در سال ۲۰۰۰، بازار چین سهم ۲ درصدی از صادرات آمریکای لاتین را به خود اختصاص می داد، اما رشد سریع چین و تقاضای ناشی از آن، باعث رونق صادرات کالاهای منطقه به این کشور شد. طی هشت سال بعد، تجارت دوجانبه با نرخ میانگین سالانه ۳۱ درصد رشد به ارزش ۱۸۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسید. در نهایت تجارت چین با آمریکای جنوبی تا سال ۲۰۲۱، به رکورد ۴۵۰ میلیارد دلار افزایش یافت، رقمی که تقریباً در سال ۲۰۲۲ بدون تغییر باقی ماند. براساس پیش بینی اقتصاددانان، این رقم تا سال ۲۰۳۵ می تواند از ۷۰۰ میلیارد دلار نیز فراتر رود. چین اکنون به عنوان بزرگترین شریک تجاری آمریکای جنوبی و دومین شریک تجاری آمریکای لاتین پس از ایالات متحده، شناخته می شود. صادرات آمریکای لاتین به چین عمدتاً سویا، مس، نفت و سایر مواد خامی است که این کشور برای توسعه صنعتی خود به آنها نیاز دارد. از سال ۲۰۲۳، پکن با شیلی، کاستاریکا، اکوادور و پرو قراردادهای تجارت آزاد امضا کرده و ۲۱ کشور آمریکای لاتین تاکنون به ابتکار کمربند و جاده چین^۴ (BRI) پیوسته اند.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین (OFDI)^۵ و تسهیلات نیز نقش مهمی در تقویت روابط پکن با منطقه ایفا می کند. در سال ۲۰۲۲، OFDI چین در آمریکای لاتین و کارائیب تقریباً ۱۲ میلیارد دلار یا حدود ۹ درصد از کل سرمایه گذاری خارجی در منطقه بود. با این وجود، بانک توسعه دولتی چین و بانک صادرات و واردات چین از وام دهندگان عمده در منطقه هستند. بین سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰، آنها حدود ۱۳۷ میلیارد دلار به دولت های آمریکای لاتین تسهیلات دادند که اغلب در ازای نفت و برای تأمین مالی پروژه های انرژی و زیرساخت استفاده می شد. البته منتقدان ادعا می کنند که شرکت های چینی استانداردهای زیست محیطی و کاری را به سطح پایین تر تنزل داده اند و با کنترل فزاینده چین بر زیرساخت های حیاتی مانند بنادر و شبکه های انرژی، تهدیدات امنیت ملی را به همراه دارد. همچنین خطر وابستگی اقتصادهای منطقه به چین از سوی ایالات متحده احساس می شود برای نمونه تقریباً ۳۸ درصد صادرات شیلی در سال ۲۰۲۱، معادل ۳۶ میلیارد دلار، به کشور چین بوده است.

از آنجایی که چین اکنون دومین اقتصاد بزرگ جهان، بزرگترین کشور تجاری و بزرگترین شریک تجاری ۱۲۰ کشور جهان از جمله در آمریکای لاتین است، افزایش نقش یوان در اقتصاد بین المللی نیز اجتناب ناپذیر است. یکی از اثرات جانبی حرکت کشورهای آمریکای لاتین به سمت اقتصاد بین المللی با محوریت یوان و کاهش قدرت اقتصادی ایالات متحده خواهد بود. اگر ایالات متحده به تسلیح هژمونی دلاری خود ادامه دهد، این امر فقط کاهش ارزش دلار را تسریع خواهد کرد.

چالش های یوانی سازی آمریکای لاتین

به نظر می رسد که دلارزدایی از اقتصاد، از سوی مقامات آمریکای لاتین، اساساً به «یوانی سازی» ترجمه می شود. از همین روی، این منطقه در حال حرکت به سمت یک منطقه ارزی یوان و تعویض وابستگی خود از دلار به یوان است. در اینصورت،

⁴ Belt and Road Initiative

⁵ outward foreign direct investment

ذخایر و پرداخت‌های کشورهای آمریکای لاتین تحت تأثیر سیاست‌های حزب کمونیست چین و بانک خلق چین قرار خواهند گرفت و در صورت تغییر روابط بین دو کشور، احتمالاً با اختلال در پرداخت مواجه خواهند شد.

به باور کارشناسان، به دلیل محدودیت‌های کنونی در معاملات بازار سرمایه چین، یوان نمی‌تواند به یک ارز ذخیره کامل تبدیل شود. بطوریکه، اکنون نیز تنها ۳ درصد از ذخایر ارزی جهان را تشکیل می‌دهد و تحت الشعاع دلار و یورو قرار دارد. اما وابستگی فزاینده آمریکای لاتین و قاره آفریقا به یوان، به چین کمک می‌کند تا آن را به یک ارز ذخیره بین‌المللی تبدیل کند. کاهش ارزش یوان همراه با افت رشد اقتصاد چین، احتمالاً تقاضا برای کالاهای مهم تجاری آمریکای لاتین با پکن را تضعیف می‌کند. همچنین می‌تواند به تولیدکنندگان چینی کمک کند تا با ارزان‌تر شدن صادرات پکن، رقابت نابرابری با تولیدکنندگان این منطقه داشته باشند. باید توجه داشت که سیاست تضعیف ارزش یوان جهت افزایش صادرات همواره از سوی کشورهای غربی و نهادهای بین‌المللی مورد انتقاد قرار گرفته است.

چین تشنه مواد معدنی و نفت، در دهه گذشته به سرعت در بازارهای آمریکای لاتین تسلط پیدا کرده و بزرگترین شریک تجاری اکثر کشورهای منطقه شده است. هرچند این امر به رشد آمریکای لاتین کمک کرده است، اما آن را در برابر کاهش ارزش یوان آسیب‌پذیر می‌کند. این مشکل را می‌توان در تجارت چین با آفریقا نیز مشاهده کرد، بطوریکه صادرات ارزان چین، صنایعی مانند بخش نساجی آفریقای جنوبی را نابود کرده است.

همچنین، تامین منابع مالی به یوان در آمریکای لاتین عمدتاً از بانک توسعه چین و بانک صادرات و واردات، روند فزاینده‌ای به خود گرفته است. براساس برخی برآوردها، از سال ۲۰۰۵، چین بیش از ۷۵ میلیارد دلار وام به کشورهای آمریکای لاتین ارائه کرده است. برای نمونه، اعطای ۳۷ میلیارد دلار تسهیلات از سوی چین در سال ۲۰۱۰ بیش از مجموع بانک جهانی، بانک توسعه بین آمریکایی و بانک صادرات و واردات ایالات متحده در آن سال بود. برخی از بزرگترین دریافت‌کنندگان آن آرژانتین، بولیوی، اکوادور و ونزوئلا هستند. هرچند چینی‌ها شرایطی را به وام‌های خود قائل نمی‌شوند، اما از وام‌گیرندگان می‌خواهند که تجهیزات چینی خریداری کرده، کارگران و تامین‌کنندگان چینی را استخدام کنند. همچنین، بیشتر این تسهیلات به سمت سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای آمریکای لاتین مانند نفت، سنگ آهن، مس، گوشت گاو، دانه‌های سویا هدایت می‌شود که جزو واردات ضروری چین از آمریکای لاتین است. این کالاهای توانایی اندکی در اشتغالزایی دارند و در نتیجه به صنعتی‌زدایی و آسیب‌پذیری اقتصادی کمک می‌کند. در نهایت، تولید کالاهای مبتنی بر منابع طبیعی باعث تخریب محیطی قابل توجهی می‌شود و می‌توان آن را در حساس‌ترین مناطق آمریکای لاتین از نظر زیست محیطی مشاهده کرد.

برای درک جایگاه آمریکای لاتین در روند دلارزدایی و چشم انداز آن باید سه عنصر؛ مبادله تجاری با ارزهای دیگر، ذخایر ارزی و پلتفرم مبادله (مانند سوئیفت) در نظر گرفته شود. از منظر تاریخی، طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، سطوح بالای تورم، کاهش ارزش پول ملی و تامین مالی توسط نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول، منجر به تسلط دلار بر کشورهای آمریکای لاتین شد و آن را به یکی از دلاری‌ترین مناطق در جهان تبدیل کرد. براساس مطالعه‌ای توسط بانک توسعه بین آمریکایی در سال ۲۰۰۵، در بازارهای نوظهور غیر آمریکای لاتین، سهم سپرده‌ها و وام‌های دلاری به ترتیب حدود ۲۲ درصد و ۱۹ درصد بود، در حالیکه این رقم برای آمریکای لاتین نزدیک به ۳۷ و ۴۰ درصد است.

بر اساس عناصری که ذکر شد، در بخش ذخایر ارزی همچنان فاصله بسیاری بین دلار و یوان وجود دارد و همچنین، پلتفرم سوئیفت تاکنون بدون رقیب جدی بوده است. اما قراردادهای سوآپ ارزی چین با آمریکای لاتین قابل توجهترین اقدام در روند دلارزایی است. پس از بحران مالی ۲۰۰۸، کشورهایمانند برزیل، آرژانتین و شیلی نخستین قراردادهای سوآپ را با چین امضا کردند که نتایج مثبتی در طرحهای همکاری مالی و تجاری به همراه داشت. تمدید این قراردادها در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ انجام شد. در سال جاری، برزیل و آرژانتین دوباره از این سیاست بهره گرفتند. می توان استنباط کرد که این اقدامات، عمدتاً با یوان، در راستای کاهش نفوذ دلار است. در مجموع، روند دلارزدایی تدریجی است و منطقه آمریکای لاتین باید به مقابله با چالشهای پیشرو بپردازد. از همین روی، اراده سیاسی به این اقدامات معنا و جهت خواهد داد.

در سال ۲۰۰۹ چهار کشور کوبا، اکوادور، ونزوئلا، کوبا و بولیوی سیستم یکپارچه جبران خسارت پرداخت (SUCRE^۶) را راه اندازی کردند که دلیل آن احساس کمبود ارز در هنگام بروز رویداد طبیعی بود. هرچند این مکانیسم بلوک کوچکی را شامل شد اما گامی مهم در راستای کاهش محدودیت های تجارت درون منطقه ای و همچنین جبران نقدینگی بانک های مرکزی کشورها محسوب می شد. این نمونه می تواند به کل منطقه تعمیم و در ایجاد ارز مشترک منطقه ای تاثیرگذار باشد. بنابراین ایجاد ارز مشترک می تواند بر چالش های دلاری شدن یا حتی یوانی سازی منطقه کمک کند.

اوایل سال جاری، برزیل و آرژانتین اعلام کردند که به دنبال ایجاد اتحادیه ارزی به نام «سور»^۷ (جنوب) هستند. مقامات این دو کشور تصریح کردند که اهداف واقعی این پروژه ایجاد یک واحد حساب جدید (ارزی مانند حقوق برداشت ویژه صندوق بین المللی پول) برای تعیین تجارت دوجانبه و جریان های مالی به عنوان جایگزین دلار آمریکا است. هرچند این پیشنهاد احتمالاً در کوتاه مدت عملیاتی نشود، اما تلاش برای یکپارچگی اقتصادی عمیق تر در آمریکای جنوبی یک پیشرفت مهم است که می تواند منجر به رشد اقتصادی شود.

از نظر اقتصادی، برزیل و آرژانتین دارای روابط تجاری سطح بالا، ساختارهای تولیدی مشابه و صادرکنندگان عمده کالا هستند. با این حال، تورم در آرژانتین در سال ۲۰۲۲ به ۱۰۰ درصد رسید، در حالی که در برزیل ۵.۸ درصد است. چنین نابرابری با یک سیاست پولی واحد ناسازگار است، زیرا بعید است که اقتصاد هر دو کشور با همان سطح نرخ بهره ثبات داشته باشد. همچنین، توافقنامه مرکوسور که سه دهه پیش برای آزادسازی تجارت بین آرژانتین، برزیل، پاراگوئه و اروگوئه ایجاد شد، مبنایی نهادی برای این پروژه را فراهم می کند.

در هر صورت اگر پروژه سور راه اندازی شود راه دشواری پیشروی کشورها وجود دارد. ارز مشترک به معنای از دست دادن سیاست پولی و ارزی به عنوان ابزار تثبیت اقتصاد کلان در سطح ملی است. ایجاد یورو در اتحادیه اروپا یک اقدام ویژه بود که به باور کارشناسان اکنون امکان تکرار آن در سایر مناطق وجود ندارد. مسیر تاریخی اروپا، ادغام سیاسی را پس از جنگ جهانی دوم تسهیل کرد و همچنین، توازن قوا در اروپای غربی تقریباً وجود دارد. اتحادیه پولی اروپا مبتنی بر موتور فرانسوی-

^۶ Sistema Unitario de Compensación Regional

^۷ Sur

آلمانی متشکل از دو قدرت نسبتاً یکنواخت و مکمل بود. اندازه اقتصاد فرانسه تقریباً ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی آلمان است، اما فرانسه یک قدرت نظامی با کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل است.

این توازن در سایر مناطق وجود ندارد، یعنی اقتصادهای کوچکتر احتمالاً باید سیاست‌های اقتصادی خود را با همسایه بزرگتر خود همسو کنند. به عنوان مثال، چین در شرق آسیا قدرت مسلط است، عربستان سعودی در خلیج فارس وزن بالایی دارد که همین موضوع را می‌توان در مورد برزیل در آمریکای جنوبی در نظر گرفت. وزن اقتصاد آرژانتین تنها ۳۰ درصد از اقتصاد برزیل است. علاوه بر این، قدرت اقتصادی و پولی برزیل با آلمان قابل مقایسه نیست. در مجموع، برای ایجاد یک ارزش مشترک باثبات، تشکیل یک مرجع پولی فراملی نسبتاً مستقل ضروری است و زمانی که توازن قدرت بین اعضای آن تا این حد نامتقارن باشد، دستیابی به آن آسان نخواهد بود.

در نهایت، بعد ژئوپلیتیکی این تصمیم باید در نظر گرفته شود. در جهان کنونی با رقابت بین قدرت‌های بزرگ، واشنگتن قطعاً از کاهش استفاده از دلار در آمریکای جنوبی استقبال نکرده است که می‌تواند عواقب جدی داشته باشد. باید توجه داشت که هم در بحران مالی ۲۰۰۸ و هم در بحران کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰، بانک مرکزی اروپا مجبور شد خطوط سوآپ ارزی را با فدرال رزرو فعال کند تا دلار لازم برای تثبیت سیستم مالی خود را به دست آورد. این پرسش مطرح می‌شود که آیا فدرال رزرو در صورت راه‌اندازی «سور» مایل به گسترش این خطوط مبادله در شرایط نیاز مالی خواهد بود، به ویژه که اگر هدف واقعی این ابتکار کاهش استفاده از دلار در منطقه باشد.

به نظر می‌رسد پیشنهاد یکپارچگی پولی بین آرژانتین و برزیل از طریق ایجاد واحد حسابداری ترکیبی، با هدف کاهش هزینه‌های عملیاتی و دوری اقتصاد آنها از شوک‌های ناشی از سیاست پولی ایالات متحده است. در صورت موفقیت، این پروژه می‌تواند پله‌ای به سوی یک ارزش مشترک باشد که دلاری شدن یا یوانی‌سازی منطقه، به ویژه در آرژانتین را کاهش دهد. علاوه بر این، نشان می‌دهد که ورود لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا به ریاست جمهوری برزیل، آمریکای جنوبی پتانسیل ایجاد یکپارچگی اقتصادی عمیق‌تر را دارد.

نتیجه‌گیری

همانطور که مشاهده می‌شود روند دلارزدایی در جهان به ویژه جنوب جهانی در حال گسترش است. استفاده از ارزهای ملی، جایگزین کردن یوان به جای دلار، گسترش سوآپ ارزی، افزایش تهاتر کالایی، راه‌اندازی ارز دیجیتال و بانک مرکزی... بخشی از راهکارهای کشورهای برای کاهش وابستگی تجاری و مالی خود به دلار آمریکا است. سلطه دلار بر اقتصاد جهانی مزایا و امتیازات مهمی برای واشنگتن به همراه آورده است که این امر موجب ناخرسندی سایر کشورها می‌شود. برای نمونه، در حالیکه سهم ایالات متحده در تولید ناخالص داخلی جهان امروزی تقریباً ۲۲ درصد بوده، اما ۸۰ درصد از پرداخت‌های بین‌المللی با دلار آمریکا انجام می‌شود. در نتیجه، ارزش دلار آمریکا در مقایسه با سایر ارزها همواره بالا است، به همین دلیل مصرف‌کنندگان ایالات متحده کالاهای وارداتی را با قیمت‌های بسیار پایین دریافت می‌کنند. همچنین، تقاضای بالای دلار در جهان به دولت ایالات متحده اجازه می‌دهد تا بدهی خود را با نرخ‌های بهره بسیار پایین تامین مالی کند. در نتیجه، برخی



از کشورها با در پیش گرفتن سیاست دلارزدایی تلاش می کنند وابستگی به دلار آمریکا را کاهش دهند. چین، روسیه و ایران در این حوزه فعال تر از سایر کشورها هستند.

در این میان، کشورهای آمریکای لاتین که در دهه های گذشته دلاری شدن اقتصاد مالی را تجربه کرده اند، اکنون به دنبال رهایی از وابستگی خود به ارز آمریکایی هستند. در سال های اخیر، نوسانات نرخ دلار به همراه کاهش ذخایر دلاری، کشورهای بزرگ و تاثیرگذار این منطقه مانند برزیل، آرژانتین و بولیوی را بر آن داشت که به سمت سیاست دلارزدایی حرکت کنند. در این راستا، به دلیل موقعیت و جایگاه چین در تجارت کشورهای آمریکای لاتین، یوآن به عنوان جایگزین دلار معرفی شده که قراردادهای سوآپ به یوآن و افزایش سرمایه گذاری و تسهیلات چین به یوآن در این چارچوب قابل توضیح است. البته، نباید سیاست دلارزدایی به یوآنی سازی اقتصاد این کشورها منجر شود که می تواند تراز تجاری را به نفع چین کند و موجب نابودی صنایع رقیب داخلی شود. از همین روی ایجاد ارز مشترک منطقه ای می تواند هژمونی هر نوع ارز خارجی در آمریکای لاتین را کاهش و وزن این منطقه در تجارت دوجانبه را تقویت کند.



منابع

<https://www.cfr.org/backgrounder/china-influence-latin-america-argentina-brazil-venezuela-security-energy-bri>

<https://repositorio.cepal.org/server/api/core/bitstreams/0a3aa007-2408-437b-a810-27e521b2492a/content>

<https://journal-neo.su/2018/10/19/washington-s-protectionism-is-only-leading-to-the-us-dollar-demise/>

<https://www.csis.org/analysis/south-americas-common-currency-actually-about-de-dollarization>

<https://www.thestatesman.com/opinion/yuan-challenge-1503208010.html>

<https://www.globaltimes.cn/page/202307/1295267.shtml>

<https://asia.nikkei.com/Spotlight/Caixin/Argentina-taps-China-currency-swap-line-to-help-repay-IMF-loan>

<https://journal-neo.su/2018/11/23/us-actions-foster-de-dollarization/>